

دیداری کوتاه با  
افشین شاهرودی،  
عکاس.

## از آفتاب و خاک گفتن و سرودن

افشین شاهرودی، غننامهٔ غریب آب و خاک را به رغم تمامت هجرانی‌شان پیوندی عاشقانه و عارفانه به یکدیگر زده است. او با حس و علقه و عاطفه و انسیتی که در آن آمیزه‌هایی از تلاش و کوشش انسان به این دو قامت قیامت ازلی و الستی موج می‌زند، تصویرگر درگیریه‌ها و چالش‌های هستن و زیستن ما در مصاف با آب و خاک است.



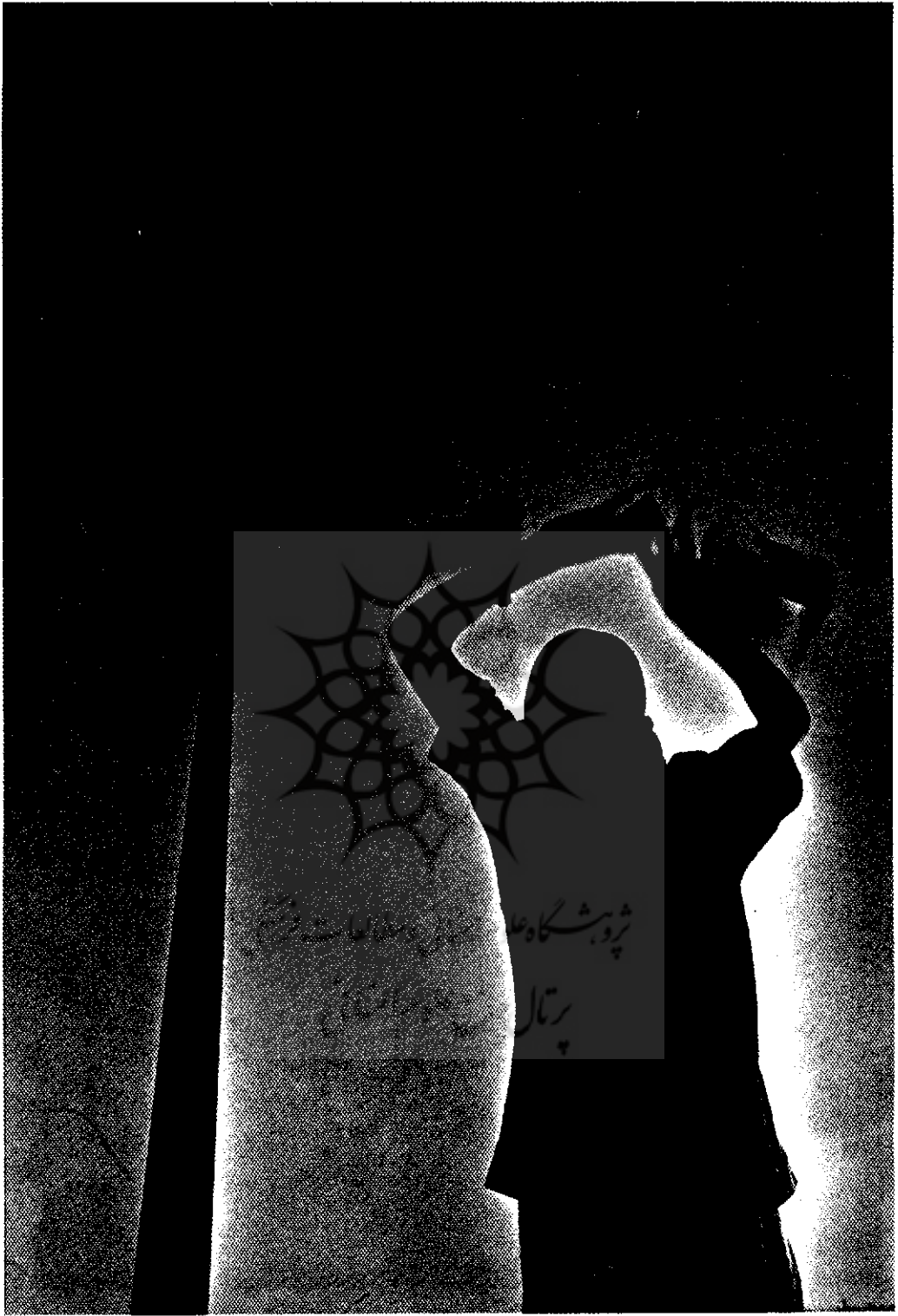
طبیعت، این بهندشت ناپیدا کرانه و بکر و بدیع که در ماورای آفاق و اقالیمش، نموج و ترنم و تغنی یشمی جنگل، آبی دریا و خنکای مرهم و مرحمتی لایزال، زمزمه‌ای جاودانه و جادوئی دارد، مشغلهٔ مدام و مستمر ذهن عکاس ما است. شاهرودی که در شعر نیز تجربه‌هایی دیرسال و قدیمی دارد شاید— قدیم‌تر از عمر عکاسیش که به سال ۱۳۵۴ باز می‌گردد— تصویر بردار و راوی تجلی و بازتافت آب و خاک در دو حوزهٔ کوره‌پزخانه و زندگی پرکشاکش ماهیگیران است.

شاهرودی، کار عکاسی را از سال ۱۳۵۶ به جد می‌گیرد و از آنجا که تبار و سلاله‌اش از ژرفای جهان واسع و «کهنه کتاب» شعر و شاعری برخاسته‌اند، او نیز روایتگر شاعرانه‌ای از روزن و منفذ شعر در عکاسی می‌گردد. همه قبیلۀ من عالمان دین بودند مرا معلم عشق نو شاعری آموخت عکاس، در پرداخت به مسئله آب و خاک، نوعی خشونت محتم و ناگزیر می‌بیند که انسان با آن، همواره در نبرد و هم‌آوردی بوده است و این دو همچون نماد و نمودی از یک کلیت یکپارچه‌اند که «طبیعت» نام دارد؛ طبیعت با تمام طیبت و پاکی طبایع و ودایع و بدایعش که بسا سخت و صعوب نیز هست. کارنامهٔ ۸ سال کار جدی و پیگیرانهٔ شاهرودی تنها به عکاسی از این دو موضوع و مضمون محدود نمی‌گردد، اما آنچه در این چند صباح، شاخص و بارز است، همان دو درونمایۀ اصلی و اساسی است: آب و خاک. عکاس،

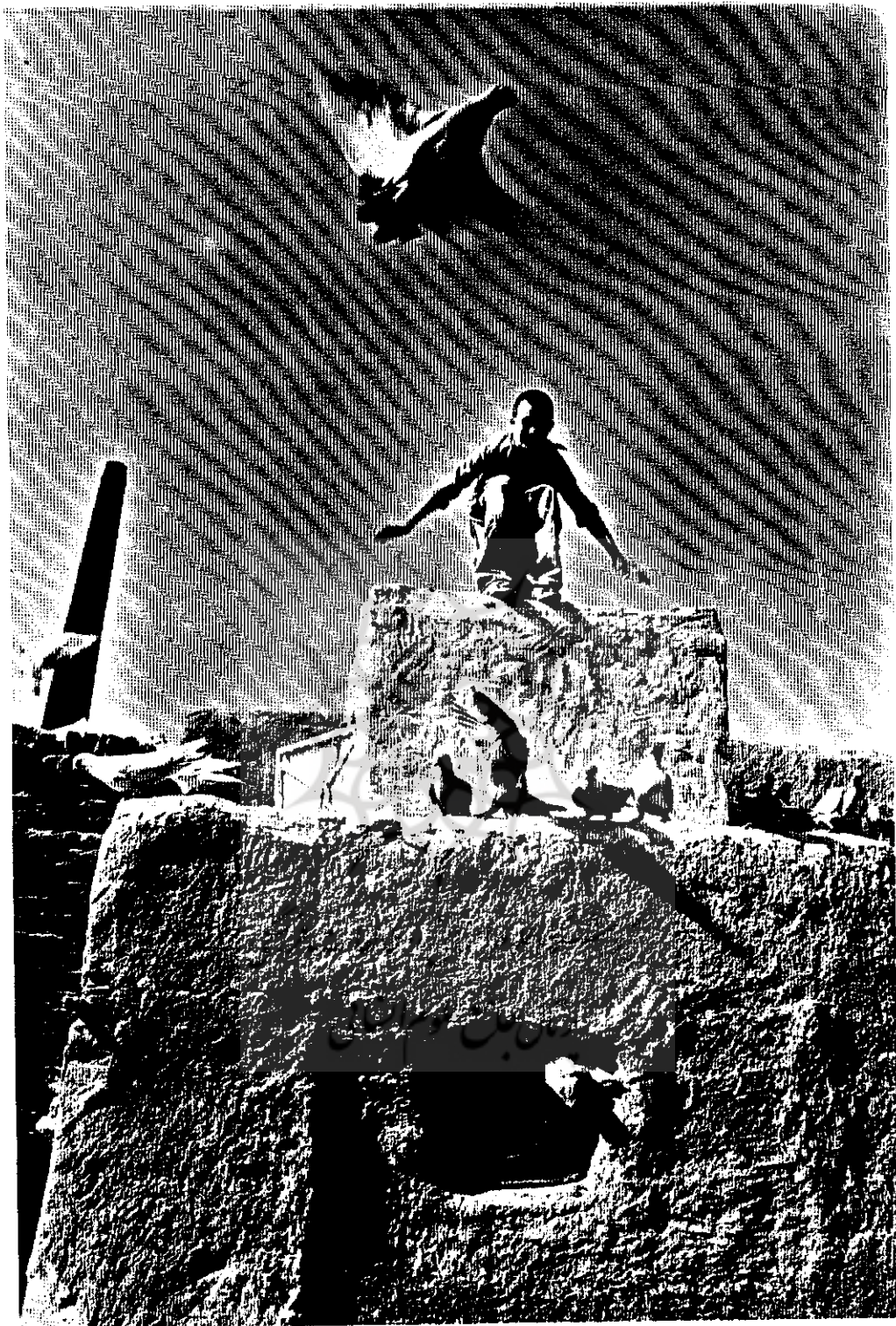
به نفس و نهاد و ذات «زندگی» و «مردم» عشقی وافر و عمیق دارد و از این رو است که در عکاسی نیز از مردم گفتن و سرودن را سخت خوش دارد و بی‌سببی نیست که وی در متن خالی خیال و خشک کوره‌پزخانه و جزرومد آبی بشکوه و بالندهٔ دریا، در جستجوی یک «کومه» است. کومه‌ای برای اندیشیدن به برکه‌ها و تالابها، به دستان پینه‌بستهٔ صیادان که توهایشان را بر دریا پهن کرده‌اند و به خاک که «مادر همهٔ یاران و دیاران است» و به سرینجه‌های آن کارگر کوره‌پزخانه که جاودانگی زندگی را در غبار و مه و غربت و غریبگی به آخر می‌رساند.

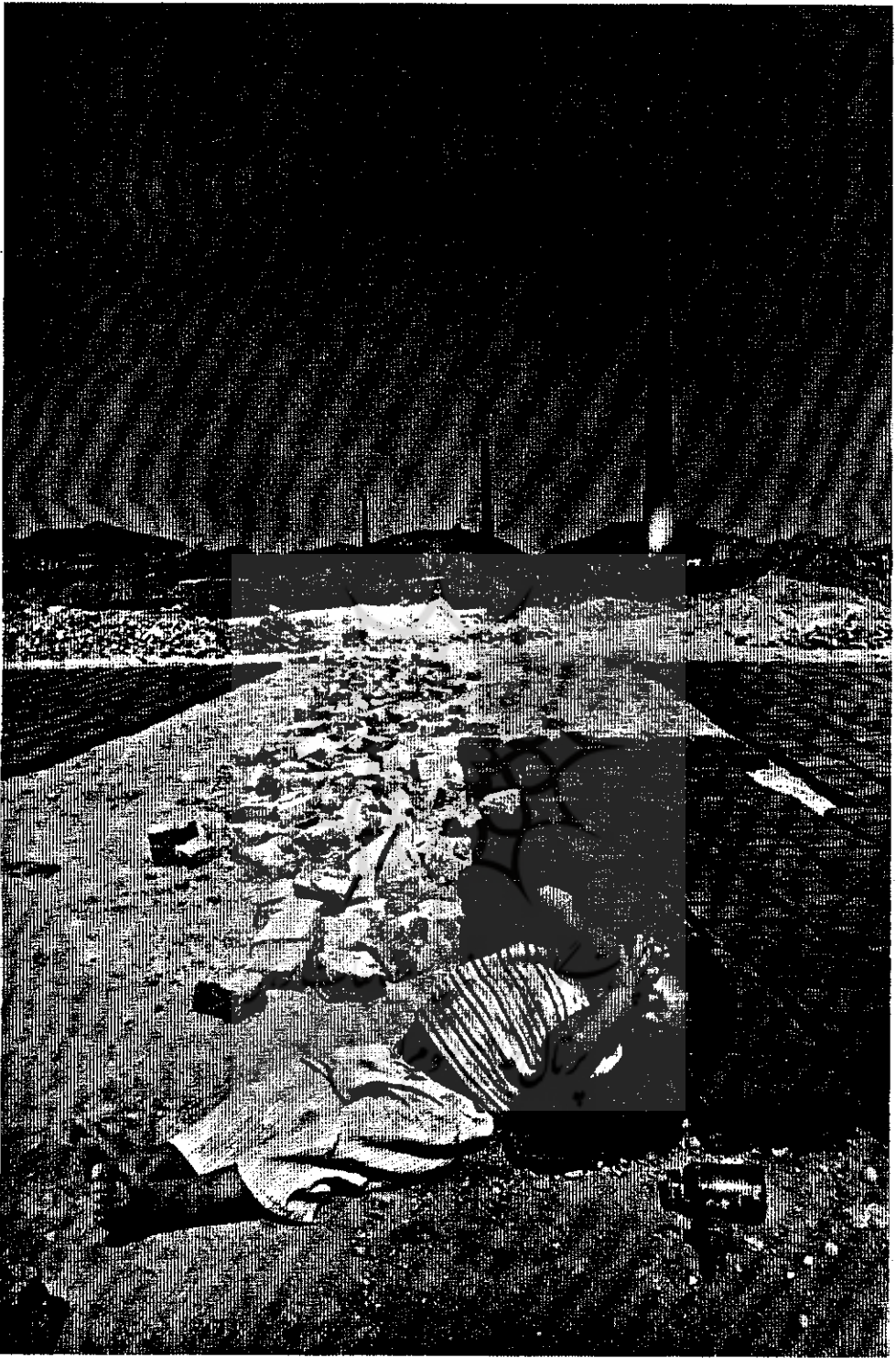
عکس‌های شاهرودی، گواه صادقانه و پاک و بی‌غرض زندگی است. عکس‌ها را که می‌نگری، التقای شعر و شعور و ابداع و ایجاد در پیوند با حس و عاطفه و ادراک، صلا در می‌دهند که هلا! این زندگی است که با بیکرانگی در زاد و رود و بویش و جوشش است.

و مقتدر و بلند باد، این غریب‌چکاد و ستیغ حس و اندیشه، که از دریچه و زاویۀ دوربین عکاسی، تصویرگر خاطرات و خطرات و نیز، آنات ناب و نایاب زندگی ما است. و شاداو خوشا آب و خاک! که مادر و گوهرة طبیعت‌اند.







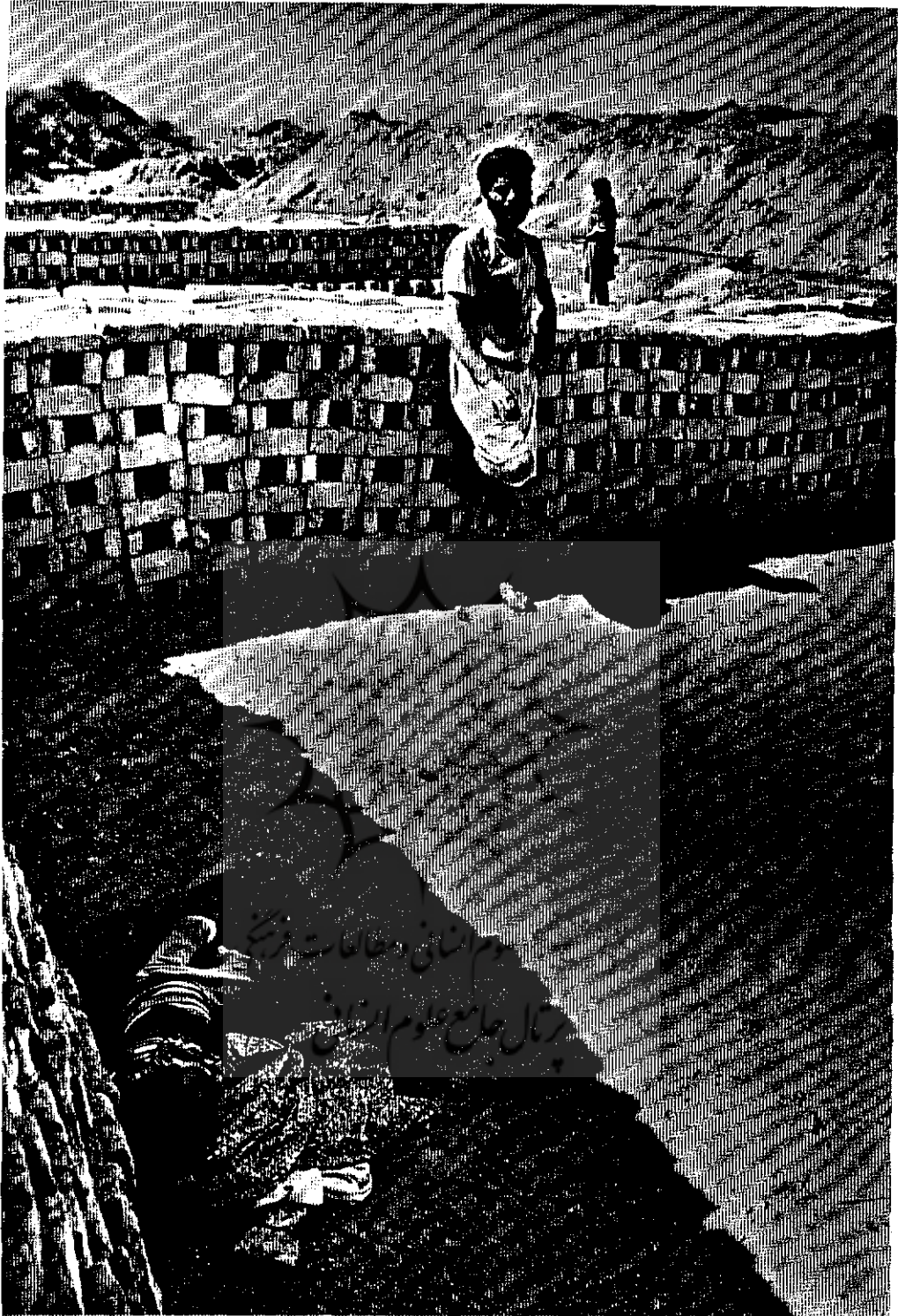




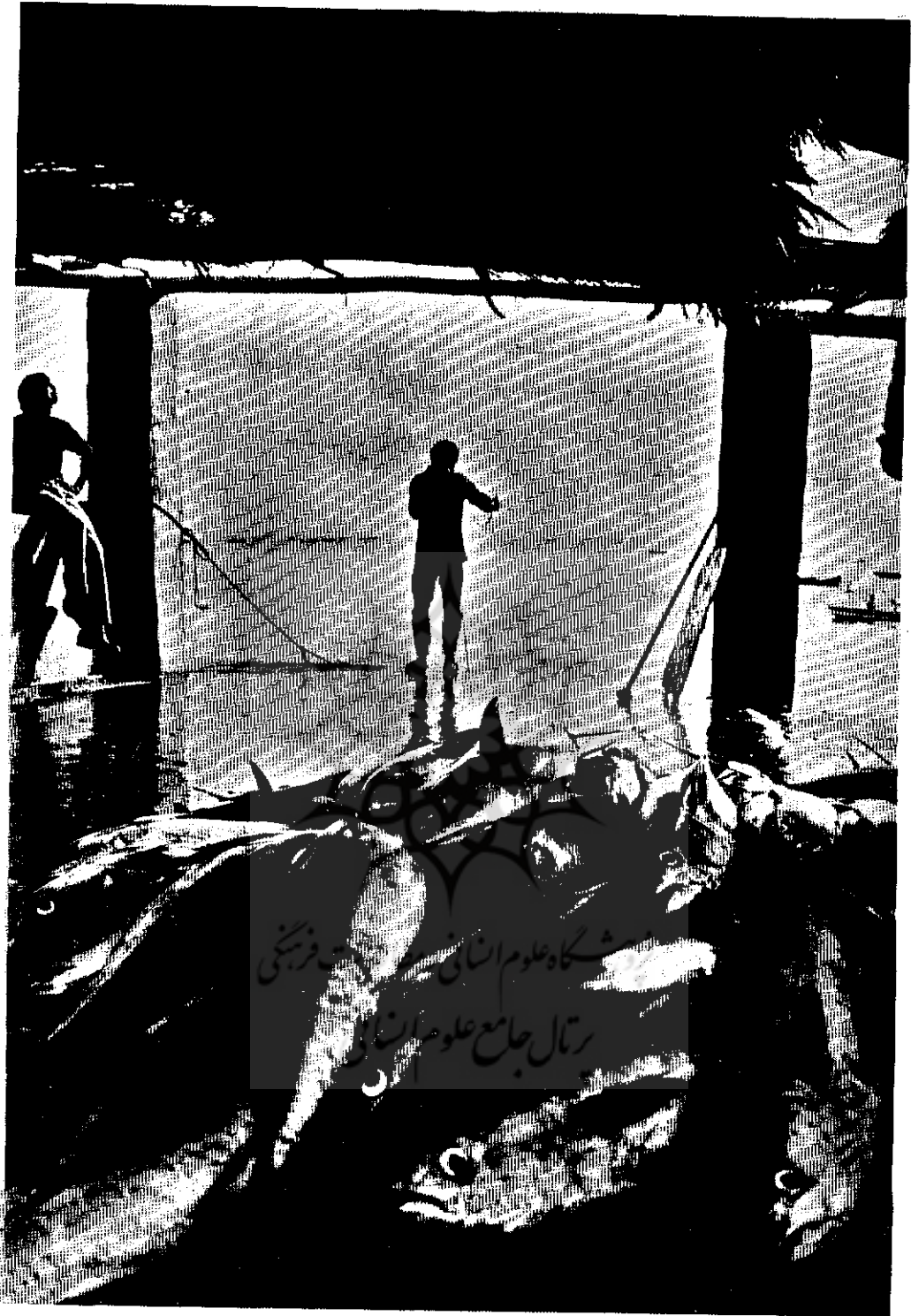
پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی











موسسه تخصصی  
مطالعات علمی و فرهنگی  
مطالعات علمی و فرهنگی  
مطالعات علمی و فرهنگی